

بررسی نگرش نسبت به ادامه تحصیل پس از ازدواج و تأثیر
آن بر تصمیم‌گیری درباره فرزندآوری
(مطالعه زنان در شرف ازدواج شهرستان نیشابور)

زهرا شاه آبادی*

حسن سرایی**

فریده خلیج آبادی فراهانی***

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۰/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۵/۳/۱۸

چکیده

هدف این مقاله، تعیین نقش نگرش نسبت به تحصیلات و تصمیم به ادامه تحصیل بر تصمیم‌گیری درباره فرزندآوری در بین زنان در شرف ازدواج شهرستان نیشابور است. این مقاله بر اساس داده‌های یک پیمایش بر روی ۴۱۵ نفر از زنان در شرف ازدواج ۱۰ تا ۳۹ ساله که برای انجام آزمایش‌ها و شرکت

* کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی. (نویسنده مسئول). shahabadi119@gmail.com

** استاد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

*** استادیار مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور.

در کلاس‌های مشاوره قبل از ازدواج در آبان و آذرماه سال ۱۳۹۲ به آزمایشگاه مرجع سلامت این شهرستان مراجعه نموده و ازدواج اول آن‌ها بوده، صورت گرفته است. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه‌ای ساخت یافته است. متغیر وابسته قصد فاصله‌گذاری از ازدواج تا تولد فرزند اول، متغیر مستقل نگرش نسبت به تحصیلات و قصد ادامه تحصیل و متغیرهای مداخله‌کننده عبارت‌اند از: مقیاس‌های نگرشی و برخی متغیرهای جمعیت‌شناسی.

نگرش زنان نسبت به تحصیلات و تصمیم آن‌ها در خصوص ادامه تحصیل پس از ازدواج به‌عنوان یک متغیر مهم و تأثیرگذار بر قصد فاصله‌گذاری از ازدواج تا تولد فرزند اول می‌تواند در برنامه‌ریزی‌ها مورد توجه قرار گیرد. چراکه نگرش مثبت زنان نسبت به تحصیلات و تصمیم آن‌ها برای ادامه تحصیل پس از ازدواج با وجود سن پایین ازدواج در جامعه مورد بررسی، رفتار باروری را از طریق فاصله‌گذاری بین ازدواج تا تولد فرزند اول تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عبارتی تداخل به وجود آمده بین تحصیلات زنان و باروری آن‌ها معمولاً بافاصله انداختن از ازدواج تا تولد فرزند اول پاسخ داده می‌شود که این پاسخ مستقیماً بر میزان و رفتار باروری جامعه مورد نظر اثر می‌گذارد. بنابراین سیاست‌های جمعیتی اگر بتوانند برنامه‌هایی را اجرایی کنند که موجب سازگاری نقش مادری با ادامه تحصیلات زنان پس از ازدواج شود می‌توانند بسیار مؤثرتر باشند.

واژه‌های کلیدی: نگرش نسبت به تحصیلات، قصد ادامه تحصیل، تأخیر

در اولین فرزند آوری، زنان در شرف ازدواج

مقدمه و بیان موضوع

پدیده باروری و مسائل مرتبط با آن در زمان کنونی از جمله پدیده‌های مهم پژوهشی در جوامع گوناگون دنیا از جمله ایران به شمار می‌آیند، این اهمیت را می‌توان در حوزه مطالعات تجربی و نظری مشاهده نمود. یکی از این مسائل، مسئله کاهش نرخ باروری

است. طبق آخرین شاخص‌های به‌دست‌آمده از منابع اطلاعاتی، میزان باروری در ایران کمتر از ۲ فرزند است و این شاخص نزدیک یک دهه است که به زیر سطح جانشینی رسیده است^۱. کاهش سریع باروری در کشور در اواخر دهه ۱۳۶۰ و در طول دهه ۱۳۷۰ تجربه شده، به طوری که میزان باروری کل در ایران از ۵.۵ فرزند در سال ۱۳۶۷، به ۲.۱ فرزند (به سطح جانشینی) در سال ۱۳۷۹ و به دنبال آن در سال ۱۳۸۵، این میزان به ۱.۹ یا به عبارتی به زیر سطح جانشینی رسید (عباسی شوازی، ۲۰۰۱). با این وجود و با وجود این که باروری زیر سطح جایگزینی و دوام آن به‌عنوان مهم‌ترین ویژگی و ملاک انتقال جمعیتی دوم مطرح می‌شود (ون‌دوکا، ۲۰۰۲) به نظر می‌رسد در حال حاضر افزایش فاصله بین موالید و به‌خصوص افزایش فاصله اولین تولد به‌عنوان یکی از تغییرات اساسی قابل‌طرح باشد (لستهاق و نیلز، ۲۰۰۲). هرچند طی سال‌های اخیر الگوی فرزند آوری تأخیری به‌عنوان یکی از عوامل اساسی تمایز کشورهای توسعه‌یافته از کشورهای در حال توسعه در سطوح باروری مطرح گشته است (ریندفس^۲ و همکاران، ۱۹۸۰: ۱۱۸)، اما باید اذعان نمود که افزایش فاصله اولین تولد و دوره‌های بی‌فرزند ماندن، یک فرآیند در حال رشد و مستمر است (عباسی شوازی و رازقی‌نصرآباد، ۱۳۸۹: ۷۶)، به طوری که با کاهش باروری و رسیدن آن به زیر سطح جایگزینی در مناطق گوناگون دنیا و از جمله شمار قابل‌توجهی از کشورهای در حال توسعه، شواهد موجود در خصوص فاصله‌گذاری از ازدواج تا تولد فرزند اول نیز افزایش می‌یابد. که در این بین و به موازات افت باروری در کشورهای یادشده سهم آن‌ها نیز در رابطه با این پدیده نوظهور در حال افزایش است، به گونه‌ای که روندهای

۱- البته قابل ذکر است که در همه نقاط کشور این پدیده رخ نداده و در مناطقی مانند: تهران، گیلان، مازندران، آذربایجان شرقی، سمنان، یزد، کردستان و ... قبل از دیگر نقاط به وقوع پیوسته و به نقطه‌ای رسانده که امکان مسئله‌ساز بودن آن را به ذهن متبادر می‌کند.

2. Van de Kaa
3. Lesthaeghe & Neels
4. Rindfuss

باروری در بسیاری از کشورهای در حال توسعه به وسیله تغییر در زمان باروری دگرگون شده و در بسیاری از این کشورها تأخیر در فرزند آوری در حال وقوع است. وقوع تولد اولین فرزند به عنوان یکی از مراحل اساسی در مسیر زندگی افراد از اهمیت بالایی برخوردار است و تأثیر زیادی در زندگی فردی و اجتماعی افراد ایجاد می‌کند. در مطالعات جمعیتی به ویژه مطالعات در حوزه باروری زمان تولد اول از اهمیت زیادی برخوردار است، چون هم‌زمان موالید بعدی و هم بُعد تکمیل شده خانوار به زمان تولد اول مربوط می‌شود (همان: ۷۶). زمان‌بندی بین ازدواج و تولد فرزند اول که بر سطح باروری و بُعد تکمیل شده خانوار تأثیرگذار است، خود تابع تعامل میان مجموعه‌ای از عوامل زیست‌شناختی، اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی است. در حقیقت در حوزه فرزند آوری، زنان [یا مردان] بچه را بیشتر برای لذتی که از آن برایشان حاصل می‌شود به دنیا می‌آورند. اما ممکن است لذت‌های دیگر (نظیر لذت کار حرفه‌ای و تحصیلات) بر لذت فرزند توسط برخی ترجیح داده شود. در واقع اولویت دادن به مشغولیت‌های دیگر، از جمله کار و تحصیل، ممکن است ولادت اولین بچه را پس از ازدواج به تعویق اندازد (سرایی، ۱۳۸۵: ۴۶-۴۵).

در اکثر قریب به اتفاق پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص رابطه بین تحصیلات و مؤلفه‌های باروری (هیرشمن و ریندفوس، ۱۹۸۰؛ ریندفوس و همکاران، ۱۹۸۰؛ ادواردز، ۲۰۰۲ و عباسی شوازی و رازقی نصرآباد، ۱۳۸۹) سطح تحصیلات به عنوان عامل اثرگذار در نظر گرفته شده، در صورتی که با توجه به تغییر نگرش افراد و به ویژه زنان در سال‌های اخیر در خصوص بسیاری از مسائل اجتماعی و خانوادگی باید دید که چه تغییراتی در رابطه با نگرش آن‌ها نسبت به تحصیلات و اهمیت آن به وجود آمده و این تغییرات چه تأثیری بر ترجیحات، تصمیمات و در نهایت رفتار باروری آن‌ها دارد. جامعه آماری مطالعه حاضر، شهرستان نیشابور است. نیشابور یکی از شهرستان‌های مهم استان خراسان رضوی است. این شهرستان، پس از شهرستان مشهد با جمعیت تقریباً نیم میلیون نفری به عنوان دومین شهرستان پرجمعیت استان خراسان

رضوی شناخته می‌شود^۱. ۸۵ درصد از جمعیت ۶ سال به بالای این شهرستان باسواد و ۱۵ درصد آن بی‌سواد می‌باشند، که در این میان، سهم زنان (۱۹ درصد) بیشتر از مردان می‌باشد. در خصوص وضعیت اشتغال در این شهرستان نیز باید گفت، از بین ۴۲ درصد جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر که جزء جمعیت فعال به حساب می‌آیند، ۹۱ درصد شاغل و ۹ درصد نیز بیکار می‌باشند، که در این میان تنها ۱۵ درصد زنان جزء جمعیت فعال محسوب می‌شوند که از این میان نیز ۱۵ درصد بیکار می‌باشند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). نرخ باروری کل در این شهرستان، ۲.۱^۲ یعنی در سطح جایگزینی و چه بسا بالاتر از آن و سن ازدواج در آن، برخلاف روندی که در بیشتر نقاط کشور دیده می‌شود پایین می‌باشد^۳.

از آنجایی که تشکیل خانواده در سنین پایین منجر به این می‌شود که میزان تحصیلات در بین بسیاری از زنان و دخترانی که ازدواج می‌کنند، پایین باشد (زیر دیپلم)، بدین ترتیب نگرش آن‌ها نسبت به تحصیلات و اهمیت آن و تصمیم جدی آن‌ها به ادامه تحصیل پس از ازدواج (تا مقطع دیپلم و بالاتر) است که می‌تواند از عوامل مهم و اثرگذار بر تأخیر در تولد فرزند اول باشد. بر این اساس هدف غایی تحقیق حاضر، برآورد میانگین قصد فاصله‌گذاری از ازدواج تا تولد فرزند اول در بین زنان در شرف ازدواج این شهرستان است. و همچنین بررسی نگرش این زنان جوان

۱- بر اساس آمار سال ۱۳۹۰ جمعیت شهرستان به ۴۳۳۱۰۵ نفر رسیده است. از این تعداد ۲۷۰۳۰۱ نفر در مناطق شهری (۶۲ درصد) و ۱۶۲۸۰۴ نفر (۳۸ درصد) در مناطق روستایی اسکان دارند.

۲- برآورد TFR به روش براس با استفاده از یک سرشماری (سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ به صورت جداگانه) توسط نگارنده، که برای سال ۱۳۸۵ برابر با ۲.۲ و برای سال ۱۳۹۰ برابر با ۲.۱ می‌باشد. شایان نیز میزان TFR سال ۱۳۸۵ شهرستان نیشابور را ۲.۱ برآورد نموده است (شایان، ۱۳۸۸: ۶۹).

۳- بر اساس داده‌های سازمان ثبت‌احوال برای سال‌های ۱۳۸۷ تا شش‌ماهه اول ۱۳۹۲ و داده‌های آزمایشگاه مرجع سلامت برای سال‌های ۱۳۸۸ تا شش‌ماهه اول ۱۳۹۲ بیشترین فراوانی ازدواج مربوط به گروه سنی ۱۵ تا ۱۹ سال و پس از گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ سال می‌باشد. جداول مربوطه ضمیمه شده است.

نسبت به تحصیلات و اهمیت ادامه تحصیل پس از ازدواج و رابطه آن با قصد فاصله‌گذاری آن‌ها از ازدواج تا تولد فرزند اول‌شان است.

پیشینه تحقیق

تحقیقات زیادی به مطالعه در خصوص فاصله ازدواج تا اولین تولد و همچنین عوامل اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی مؤثر بر آن پرداخته‌اند، در این بین برخی از این پژوهش‌ها تحصیلات را به‌عنوان عامل تأثیرگذار بر فاصله ازدواج تا اولین تولد مورد توجه قرار داده‌اند. هیرشمن^۱ و ریندفوس^۲ (۱۹۸۰) در مطالعه‌ای که در کشور مالزی انجام داده‌اند یکی از تعیین‌کننده‌های سن در تولد اولین فرزند را تحصیلات عنوان کرده‌اند، به این صورت که زنان تحصیل کرده به‌واسطه دسترسی بیشتری که به منابع اطلاعاتی دارند، کنترل بیشتری نیز روی دوره‌های باروری خود دارند. ادواردز^۳ (۲۰۰۲) نیز در تحقیقی که بر روی مادران آمریکایی انجام داده، نقش تحصیلات و اشتغال را بر تأخیر در اولین فرزند آوری مورد توجه قرار داده است و به نتایج مشابه آنچه هیرشمن و ریندفوس دست‌یافته‌اند، رسیده است. نتایج این مطالعه نشان از آن دارد که دسترسی بیشتر زنان تحصیل کرده به منابع اطلاعاتی باعث می‌شود آن‌ها به‌واسطه انتخاب مؤثرترین روش‌های پیشگیری از بارداری و به‌کارگیری مناسب آن‌ها، کنترل بیشتری بر باروری خود داشته باشند. علاوه بر این هر دو مطالعه، بر ناسازگاری نقش دانشجویی و مادری نیز تأکید کرده‌اند، به طوری که، از دید بیشتر زنان مورد بررسی، داشتن هر دو نقش مادری و دانشجویی به‌طور همزمان نامطلوب دانسته شده است. ریندفوس و همکاران (۱۹۸۰) نیز در مطالعه‌ای که در خصوص تحصیلات و پیامدهای باروری انجام داده‌اند

1. Hirschman
2. Rindfuss
3. Edwards

بر نقش تحصیلات در تأخیر در اولین فرزند آوری اشاره نموده‌اند، به طوری که هر یک سال افزایش در تحصیلات، باعث ۹ ماه تأخیر در تولد اولین فرزند می‌شود.

در ایران نیز تعدادی از محققان فاصله ازدواج تا اولین تولد را مورد ملاحظه قرار داده‌اند. عباسی شوازی و رازقی نصرآباد (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای با عنوان "الگوها و عوامل مؤثر بر فاصله ازدواج تا اولین تولد در ایران" با استفاده از داده‌های طرح بررسی سلامت و جمعیت سال ۱۳۷۹ با به‌کارگیری مدل تحلیل بقا به برآورد فاصله تولد اول و همچنین احتمال وقوع تولد اول پرداخته‌اند. نتایج بیانگر آن است که میانگین فاصله ازدواج تا اولین تولد در ایران ۲.۷ سال است و بیش از ۸۵ درصد از زنان در پنج سال نخست ازدواج، فرزند اول خود را به دنیا می‌آورند. بررسی تغییرات زمانی حکایت از افزایش فاصله اولین تولد در میان زنانی که بعد از سال‌های ۱۳۷۰ ازدواج کرده‌اند، دارد. این تأخیر پیوند قوی با سن ازدواج زنان و همسرانشان، تحصیلات زنان و تمایل آنان برای افزایش تحصیلات دارد. خلج آبادی فراهانی و سرایی (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای با عنوان "قصد تک‌فرزندی و تعیین‌کننده‌های آن در زنان و مردان در شرف ازدواج در تهران" عوامل مؤثر بر قصد تک‌فرزندی و تأخیر دربارداری اول و دوم را مورد بررسی قرار داده‌اند. یکی از عوامل مورد بررسی قصد ادامه تحصیل می‌باشد، نتایج این مطالعه حاکی از آن است که قصد تک‌فرزندی در کسانی که قصد ادامه تحصیل دارند، بیشتر از افرادی است که قصد ادامه تحصیل ندارند (۶۱.۹ درصد در مقابل ۳۸.۱ درصد، P<.۰۱). عباسی شوازی و همکاران (۲۰۰۹) نیز با استفاده از داده‌های طرح انتقال باروری در ایران، به استفاده زنان از وسایل پیشگیری در قبل از اولین حاملگی در چهار استان گیلان، سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی و یزد پرداختند. نتایج مطالعه عباسی شوازی و همکاران، نشان از این دارد که در ایران به دلیل بستر اجتماعی جامعه که ازدواج زودرس را تشویق می‌کند و علاوه بر آن، بر افزایش تحصیلات و استفاده از وسایل پیشگیری تأکید می‌شود، زنان تحت شرایط جامعه، ازدواج نسبتاً زودرس را تجربه می‌کنند ولیکن درون ازدواج برای رسیدن به اهداف خود از وسایل پیشگیری از

بررسی نگرش نسبت به ادامه تحصیل ... ۱۳۳

بارداری استفاده نموده و پدر و مادری را به تأخیر می‌اندازند. همچنین عرفانی در پژوهشی با عنوان "باروری در ایران و شهر تهران: میزان‌ها، روندها و تفاوت‌ها" با استفاده از داده‌های پیمایش نیت باروری شهر تهران (۱۳۹۱)، داده‌های پیمایش باروری تهران در سال ۱۳۸۸، جمعیت و سلامت ۱۳۷۹ و سرشماری ۱۳۹۰، میزان‌ها، روندها و تفاوت‌های باروری در ایران و شهر تهران را بررسی کرده است. یافته‌های این تحقیق نشان داده است که زنان بیشتر تحصیل کرده و دارای درآمد بالاتر، شاغل، ازدواج کرده در سنین بالا، ساکن در مناطق میانی و بالای تهران، فاصله‌گذاری طولانی‌تری برای فرزند اول و دوم داشته‌اند.

رابطه مثبت میان تحصیلات با مؤلفه‌های باروری همچون تعداد فرزند ایده آل، قصد باروری و تأخیر در فرزند آوری در تحقیقات زیادی تأیید شده است. همان‌گونه که قبلاً نیز گفته شد، اکثر قریب به اتفاق این پژوهش‌ها، سطح تحصیلات را به عنوان عامل اثرگذار در نظر گرفته‌اند، در صورتی که با توجه به تغییر نگرش زنان در خصوص بسیاری از مسائل اجتماعی و خانوادگی بر اثر گسترش و توسعه نوسازی و مدرنیته، باید دید که چه تغییراتی در رابطه با نگرش آن‌ها نسبت به تحصیلات و اهمیت آن و تمایل به ادامه تحصیل پس از ازدواج در کنار سایر متغیرهای نگرشی به وجود آمده و این تغییرات چه رابطه‌ای با تصمیمات باروری زنان دارد. بنابراین در این مقاله به جای توجه صرف به سطح تحصیلات، نگرش نسبت به اهمیت تحصیلات و تصمیم به ادامه تحصیل پس از ازدواج است که در کانون توجه قرار می‌گیرد.

چارچوب نظری

نظریات جمعیت‌شناسی مرتبط با باروری در سطوح خرد و کلان به طرح جریان ایده‌ها، نظام‌های معنایی و معرفت بین ذهنی افراد جامعه در مورد رفتار باروری و جنبه‌های گوناگون آن و همچنین نیروهای تعیین‌کننده آن می‌پردازند. در حقیقت رفتارهای افراد

ریشه در مقاصد و نیت آن‌ها دارد، رفتار باروری افراد یک جامعه نیز از این قاعده مستثنی نبوده و به‌وسیله قصد باروری و تأخیر در فرزند آوری افراد آن جامعه تعیین می‌شود که خود بر اساس نگرش‌ها و هنجارهای ذهنی افراد در رابطه با باروری شکل گرفته‌اند. بر اساس تئوری عمل بخردانه (تئوری رفتار برنامه‌ریزی‌شده) که به‌عنوان پشتوانه اصلی این مطالعه در نظر گرفته شده است، رفتارهای یک جامعه محصول نیت افراد آن جامعه است که خود نتیجه نگرش‌های فردی و هنجارهای ذهنی افراد در این خصوص می‌باشد. نگرش‌ها، باورها و اعتقادات اشخاص را منعکس می‌کنند و هنجارهای ذهنی نیز انتظارات دیگران مهم و پاسخ فرد به این انتظارات را آشکار می‌کنند. به عبارتی اشخاص به‌طور ذهنی زیر بار این نگرش‌ها و هنجارها قرار می‌گیرند و این نگرش‌ها و هنجارها، نیت و مقاصد آن‌ها را که به‌عنوان کلید تعیین‌کننده رفتار است، شکل می‌دهند (فیشباین و آیزن^۱، ۱۹۷۵ و ۲۰۱۰: ۱۷۰ و مورگان، ۲۰۱۱).

قصد باروری (متوسط تعداد فرزند مورد انتظار) در کشورهای توسعه‌یافته از ۲ تا ۲/۵ فرزند متغیر می‌باشد. این رقم حتی در برخی از این کشورها بین ۲/۱ فرزند تا ۲/۲ فرزند متغیر است. ۴۰ تا ۶۰ درصد از زنان ۲۰ تا ۲۴ ساله در کشورهای اروپایی، ترجیح می‌دهند یا انتظار دارند دو فرزند داشته باشند (ون‌دوکا^۲ ۲۰۰۱ به نقل از بخش جمعیت سازمان ملل، ۲۰۰۳). قصد باروری یا باروری مورد انتظار به‌طور منظمی با متغیرهای اجتماعی-اقتصادی خیلی تغییر نمی‌کند (ون پیر^۳ ۲۰۰۰ به نقل از بخش جمعیت سازمان ملل، ۲۰۰۳). با این وجود، زنان با تحصیلات بالاتر نسبت به زنان با تحصیلات کمتر، به‌طور قابل‌توجهی تعداد تولدهای بیشتری را انتظار دارند. اما زنان تحصیل‌کرده اغلب به علت به تأخیر انداختن فرزند آوری، در نهایت تعداد فرزند کمتری از آنچه انتظار داشته‌اند، خواهند داشت (ون‌دوکا^۲ ۲۰۰۲ به نقل از بخش جمعیت

-
1. Fishbein & Ajzen
 2. Van de Kaa, D.J.
 3. Van Peer

سازمان ملل، ۲۰۰۳). بنابراین تعداد فرزند نهایی یا سائز تکمیل شده خانوار به دو عامل مهم بستگی دارد: (۱) قصد یا انتظار باروری (۲) تأخیر در باروری.

از سوی دیگر، مهم‌ترین تبیین برای قصد باروری، که مربوط به باروری زیر سطح جانشینی است، تغییرات نگرشی بر اساس تئوری گذار دوم جمعیتی است. این نظریه، باروری پایین و دوام آن در جوامع صنعتی که باروری آنها به زیر سطح جانشینی رسیده است را با توجه به تغییرات اساسی که در دهه‌های پایانی قرن بیستم در سطح جامعه و خانواده و در نحوه بچه آوری در آن جوامع پیش آمد، را توضیح می‌دهد (سرایبی، ۱۳۸۷: ۱۱۸ و ۱۲۰). بر اساس این نظریه، تغییرات در سیستم ارزشی و نگرشی در رفتار باروری مؤثر است. نظریه گذار جمعیتی دوم عقلانیت فردی را در رابطه با رفتار باروری می‌داند و بر این عقیده است که جوامعی که انتقال باروری را طی نکرده‌اند همه‌چیز از جمله تعیین‌کننده‌های باروری از اختیار فردی خارج است و از طریق هنجارهای فرهنگی جامعه، به‌ویژه هنجارهایی که نظام جمعیتی به فرد تحمیل می‌کند، مشخص می‌شوند (جوادی نیا، ۱۳۸۸: ۲۳). به عبارت دیگر، این رویکرد دلیل تغییر باروری به زیر سطح جانشینی را تغییر ارزش‌ها و ایدئولوژی توسعه فردی و یا خود تحقق‌بخشی و اهمیت آزادی اجتماعی و فردی می‌داند. به طوری که افراد زمانی تصمیم می‌گیرند یک بارداری را بپذیرند که تولد برایشان مطلوب باشد و به غنا و توسعه زندگی آنها منجر شود (خلج آبادی فراهانی و سرایبی، ۱۳۹۱: ۴۲).

نظریه برابری جنسیتی مک‌دونالد نیز ضمن بحث از نگرش جنسیتی غالب در درون نهادها با رویکردی کلان، بُعدی از فرهنگ جنسیتی را در جامعه نشان می‌دهد که می‌تواند بر فرزند آوری مؤثر باشد. فرهنگ غالب جنسیتی در درون نهادها (در اشکال برابری یا نابرابری) در حقیقت همان نظام معنایی مرتبط با برابری/ نابرابری زنان و مردان در ایفای نقش و برخورداری از فرصت‌ها است که در تعامل با منابع نهادها شکل گرفته‌اند. تلقی و ارزیابی افراد از این وضعیت فرهنگی کلان، انتظام بخش نوع رفتار باروری آنها است. آنان برابر یا نابرابر بودن شرایط نهادی موجود و معانی غالب

در آن‌ها را درک کرده و بر اساس آن رفتار باروری خود را انتظام می‌بخشند. در این نظریه به کرات به درک و بازاندیشی افراد به‌ویژه زنان در وضعیت و جایگاه نقشی خود و فرصت‌های در دسترس و یا ازدست‌رفته معطوف به جنسیت اشاره می‌شود (رضایی، ۱۳۹۰: ۴۴). بر اساس این تئوری، زنان ترجیح می‌دهند به موقعیتی مساوی با مردان از جمله افزایش تحصیلات و اشتغال دست یابند، از آن‌جهت ازدواج و مادر شدن را به جهت از دست ندادن موقعیت اجتماعی خویش به تأخیر انداخته و فرصت را برای دستیابی به جایگاهی بالاتر از این حیث از دست می‌دهند (خلج آبادی فراهانی و سرایی، ۱۳۹۱: ۴۳).

بر اساس نظریه اشاعه نیز این عوامل فرهنگی و نه ساختاری هستند که نحوه نگرش افراد به فرزندان و فرزندآوری را تغییر می‌دهند. به عبارتی طرفداران این دیدگاه استدلال می‌کنند که کاهش باروری ناشی از اشاعه ایده‌های جدید و آگاهی از تنظیمات باروری می‌باشد نه تغییرات در عوامل اقتصادی-اجتماعی یا نهادی (حسینی، ۱۳۹۰: ۱۳۴). این نظریه می‌تواند در توضیح و تبیین رواج رفتارهای مشابه به‌ویژه رفتار باروری (که تأخیر در فرزندآوری نیز جزئی از این رفتار می‌باشد) در بین افراد یک جامعه خاص مورد استفاده قرار گیرد. اشاعه ایده‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌های جدید می‌تواند بخش زیادی از تفاوت در زمان و آهنگ تغییرات در رفتارهای باروری و خانواده را تبیین کند. در این رویکرد به نقش فرهنگ، تحصیلات، یادگیری اجتماعی، رسانه‌های ارتباط جمعی و برنامه‌های تنظیم خانواده دولتی در انتقال و اشاعه ایده‌های جدید در ارتباط با ترجیحات بُعد خانوار و استفاده از وسایل پیشگیری اهمیت زیادی داده می‌شود (ون دوکا، ۱۹۹۷ به نقل از عباسی شوازی و رازقی نصرآباد ۱۳۸۹: ۷۷).

نظریات بالا مرجع این مطالعه در زمینه‌های طراحی مسئله، انتخاب متغیرها و همچنین تدوین فرضیه‌ها می‌باشند. در واقع تئوری گذار دوم جمعیتی در کنار تئوری‌هایی چون اشاعه نوآوری، تئوری رفتار برنامه‌ریزی‌شده و همچنین نظریه برابری جنسیتی منابع نظری مهمی را در خصوص باورها و نگرش‌های فردی فراهم می‌آورند،

نگرش‌هایی که به نظر می‌رسد با قصد باروری که نشان از رفتار باروری یک جامعه در آینده دارد، در ارتباط می‌باشند. در واقع باورها و نگرش‌ها، به‌عنوان مهم‌ترین لایه فرهنگی جامعه، از دیرباز ذهن بشر را به خود مشغول داشته‌اند. اگرچه ابتدا فیلسوفان به آن پرداخته‌اند، اما به تدریج با توجه به اهمیت‌شان، در بخش‌های گوناگون معرفت بشری مطرح شده‌اند و امروزه علوم متعددی خود را نیازمند شناخت آن‌ها می‌دانند و از دیدگاه‌های گوناگون به بررسی آن‌ها می‌پردازند. زیرا به قول گورویچ، در پشت همه انواع رفتارها و گرایش‌های جمعی دنیایی از نگرش‌ها و تصورات قرار دارد و فقط پس از فهم این نگرش‌هاست که قادر به فهم و توجیه رفتارها خواهیم بود. پس نگرش نسبت به تحصیلات در کنار نگرش نسبت به اشتغال خارج از منزل که به‌عنوان ابعادی از فلسفه خود تحقیق‌بخشی محسوب می‌شوند و همچنین نگرش فردی نسبت به اهمیت فرزند آوری، به‌عنوان فاکتورهای مهم تعیین‌کننده قصد فاصله‌گذاری از ازدواج تا تولد فرزند اول که خود مصداقی از قصد باروری است، در نظر گرفته شده‌اند. بنابراین، در این مقاله که بر نقش نگرش نسبت به تحصیلات و تصمیم به ادامه تحصیل در کنار سطح تحصیلات تأکید گردیده، این‌طور فرض شده که بین سطح تحصیلات، نگرش زنان نسبت به تحصیلات و همچنین تصمیم آن‌ها برای ادامه تحصیل پس از ازدواج با قصد فاصله‌گذاری از ازدواج تا تولد فرزند اولشان رابطه وجود دارد. بدین صورت که انتظار می‌رود: (۱) با افزایش سطح تحصیلات زنان، قصد فاصله‌گذاری آن‌ها از ازدواج تا تولد فرزند اول بیشتر شود. (۲) زنانی که نگرش مثبت‌تری نسبت به تحصیلات دارند، قصد فاصله‌گذاری از ازدواج تا تولد اولین فرزندشان بیشتر باشد. (۳) زنانی که تصمیم به ادامه تحصیل پس از ازدواج دارند، قصد دارند فاصله بیشتری بین ازدواج تا تولد اولین فرزندشان وجود داشته باشد. البته به نظر می‌رسد که این متغیرها بخش عمده‌ای از تأثیر خود را از طریق نگرش نسبت به اهمیت فرزند آوری ایفا می‌کنند.

روش‌شناسی و داده‌های تحقیق

روش تحقیق در این مطالعه پیمایش است. جمعیت آماری تمام زنان در شرف ازدواج ۱۰ تا ۳۹ ساله شهرستان نیشابور می‌باشد که بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ تعداد آنها شامل ۴۱۱۴۴ نفر است. نمونه موردنظر با استفاده از فرمول کوکران محاسبه شده، که مقدار برآورد شده برابر با ۴۱۵ نفر می‌باشد. نمونه از بین کسانی از این گروه برگزیده شده که برای انجام آزمایش‌ها و شرکت در کلاس‌های مشاوره قبل از ازدواج در آبان و آذرماه سال ۱۳۹۲ (از ۶ آبان تا ۷ آذر) به آزمایشگاه مرجع سلامت مراجعه نموده و در ضمن ازدواج اول آنها می‌باشد (تمام افراد از هر قشر و طبقه، برای ثبت ازدواج موظف‌اند که به این مرکز مراجعه نمایند). در این مطالعه، با توجه به این که فقط یک مرکز این نوع خدمات مشاوره قبل از ازدواج در نیشابور را ارائه می‌داد، نمونه فوق از همان یک مرکز گرفته شده و روش نمونه‌گیری تمام‌شماری بود تا تعداد نمونه بالا حاصل شود. زمان نمونه‌گیری نیز به دلیل محدودیت زمانی مطالعه برای جمع‌آوری داده‌ها در زمان معلوم تعیین شد. در مدت این یک ماه تعداد مراجعه‌کنندگان به مرکز برابر با ۴۸۶ نفر بوده که از این بین ۷۱ نفر به دلایلی چون ازدواج دوم، قرار نداشتن در طیف سنی و... واجد شرایط محسوب نشده و از نمونه کنار گذاشته شدند.

ابزار گردآوری اطلاعات نیز پرسشنامه‌ای ساخت‌یافته است. متغیر وابسته قصد فاصله‌گذاری از ازدواج تا تولد فرزند اول و متغیر مستقل، نگرش نسبت به تحصیلات و قصد ادامه تحصیل می‌باشد که با سؤالی مستقیم از میزان تحصیلات و همچنین با سؤال از میزان جدیت افراد برای ادامه تحصیل پس از ازدواج، وضعیت سواد فرد و تصمیم وی در خصوص ادامه تحصیل پرسیده شده، که سؤالات مربوطه بدین صورت است: آیا شما تصمیم جدی دارید که پس از ازدواج ادامه تحصیل بدهید؟ و در صورت مثبت بودن جواب، مقطع موردنظر برای ادامه تحصیل نیز پرسیده می‌شود. در ادامه نیز بر اساس تحلیل عاملی اکتشافی و با استفاده از ماتریس گردشی گویه‌های نگرشی در

رابطه با تحصیلات و اهمیت آن در زندگی فردی و اجتماعی، شش فاکتور نگرشی شناسایی گردید که در پنج مقوله خیلی موافق، موافق، بی نظر، مخالف و خیلی مخالف موردسنجش قرار گرفتند. مقدار آلفای کرونباخ به دست آمده در ارتباط با این ۶ گویه نیز برابر با ۰.۹۲ می باشد، که نشان از همبستگی بالا بین آن ها دارد. گویه های مربوطه عبارت اند از: "موفقیت در تحصیل بیش از هر چیز در زندگی اهمیت دارد، یک زن تحصیل کرده کارایی بیشتری در خانواده و جامعه دارد، افزایش تحصیلات در زنان باعث افزایش آگاهی آن ها از زندگی زناشویی می شود، ادامه تحصیل زنان در مقاطع دانشگاهی آن ها را از دیگر امور زندگی بازمی دارد، هرچقدر تحصیلات یک زن بیشتر باشد از اعتماد به نفس بالاتری برخوردار است و تحصیلات بالا در زنان باعث محبوبیت بیشتر آنان در بین اطرافیان می شود". در انتها و پس از یک سو کردن جهت گویه ها، به هرکدام وزن یکسانی داده شده، نمره گویه های مزبور باهم جمع گشته و مقیاس مربوطه ساخته شد، که در اینجا نمره هر پاسخگو در یک طیف عددی از ۶ تا ۳۰ قرار می گیرد، که نمره ۶ نشان دهنده نگرش کاملاً منفی و نمره ۳۰ حاکی از نگرش کاملاً مثبت نسبت به تحصیلات می باشد.

برای سنجش دیگر متغیرهای موجود در مدل تحلیل مسیر از تعدادی سؤال در ارتباط با هرکدام استفاده شده است، بدین صورت که، در ارتباط با متغیر نگرش نسبت به اهمیت فرزند آوری باید گفت که این متغیر توسط ۸ گویه که از مطالعه خلیج آبادی فراهانی و سرایی (۱۳۹۱) در خصوص قصد تک فرزند استخراچ شده اند، سنجیده می شود. این گویه ها عبارت اند از: فرزند به زندگی معنی می دهد، اگر زوجی فرزند نداشته باشند همیشه یک چیز گمشده در زندگی دارند، فرزند شیرینی زندگی است، فرزند عصای دوران پیری و تنهایی است، فرزند میوه عشق زن و مرد است، داشتن فرزند ایمان افراد را زیاد می کند، داشتن رابطه زناشویی خوب برای خوشبختی کافی است و داشتن فرزند برای خوشبختی لازم است. نمرات مربوط به هر پاسخگو در یک طیف عددی ۸ تا ۴۰ نمره ای قرار می گیرد، که نمره ۸ نشان دهنده نگرش کاملاً منفی و

نمره ۴۰ نشان‌دهنده نگرش کاملاً مثبت، اهمیت به فرزند آوری است. مقدار آلفای کرونباخ به دست آمده در ارتباط با متغیر یادشده نیز برابر با ۰.۹۰ می‌باشد.

در خصوص متغیر تصمیم به اشتغال خارج از منزل پس از ازدواج نیز ابتدا با طرح سؤالی از وضعیت شغلی پاسخگو در زمان بررسی، وضعیت وی از این لحاظ مشخص شده و در ادامه از تصمیم فرد در خصوص اشتغال خارج از منزل بعد از ازدواج، سؤال شده است، که سؤال مزبور بدین صورت می‌باشد: "آیا تصمیم دارید پس از ازدواج، خارج از منزل شاغل باشید؟".

تعداد فرزندان خانواده پدری نیز با سؤالی مستقیم در خصوص تعداد خواهران و برادران فرد پاسخگو سنجیده شده است.

در نهایت و پس از جمع‌آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه، عملیات کدگذاری صورت پذیرفته و با استفاده از نرم‌افزار SPSS عملیات داده‌پردازی (آماره کردن داده‌ها) انجام، سپس به آنالیز توصیفی پرداخته و از تست‌های آماری دو متغیره (ضریب همبستگی پیرسون و آنالیز واریانس) جهت آزمون فرضیات استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

تعداد ۴۱۵ نفر از زنان در شرف ازدواج به آزمایشگاه مرجع سلامت برای انجام آزمایش‌های پیش از ازدواج مراجعه کرده بودند که پرسشنامه‌های مربوطه را تکمیل نمودند. نتایج حاصل از تحلیل این پرسشنامه‌ها به قرار زیر می‌باشد:

جدول ۱- ویژگی‌های جمعیتی و زمینه‌ای زنان در شرف ازدواج

درصد واقعی ^۱	درصد	مشخصات جمعیتی
	۲۰.۶۶	سن (میانگین)
		محل سکونت
۵۷.۳	۵۷.۳	شهر
۴۲.۷	۴۲.۷	روستا
		وضعیت فعالیت
۱۵.۷	۱۵.۷	شاغل
۲۲.۷	۲۲.۷	دانشجو
۵.۵	۵.۵	شاغل و دانشجو
۳۵.۲	۳۵.۲	غیر شاغل / خانه‌دار
۲۱.۰	۲۱.۰	سایر (شامل محصل)
		تصمیم به اشتغال
۵.۱	۵.۱	بلی، شغل تمام‌وقت
۴۴.۸	۴۴.۶	بلی، شغل نیمه‌وقت
۵۰.۱	۴۹.۹	خیر
۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	کل
	۰.۵	مقادیر ازدست‌رفته
		تعداد خواهر و برادر
۴۷.۰	۴۷.۰	کمتر از چهار فرزند
۵۳.۰	۵۳.۰	چهار فرزند و بیشتر

۱- درصدی است که در آن مقادیر ازدست‌رفته لحاظ نمی‌شود.

بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که میانگین سن کل افراد شرکت‌کننده در مطالعه ۲۰.۶۶ و میانه سنی ۲۰ سال است. طیف سنی افراد نیز بین ۱۰ تا ۳۹ سال متغیر می‌باشد. بیش از ۵۷ درصد این افراد ساکن شهر و بقیه ساکن روستا می‌باشند. داده‌های مربوط به شرایط پاسخگویان در رابطه با وضعیت فعالیت در ۷ روز قبل از جمع‌آوری اطلاعات، در جدول ۱ ارائه شده و نشان می‌دهد که از مجموع ۴۱۵ نفر نمونه ما، تنها ۱۵.۷٪ شاغل بوده‌اند، و ۵.۵٪ نیز در کنار تحصیل، مشغول به کار بودند و بقیه افراد نمونه یعنی بیشتر از ۷۸ درصد غیر شاغل محسوب می‌شوند. نکته دارای اهمیت در رابطه با داده‌های این جدول مربوط به افرادی می‌شود که گزینه سایر را به‌عنوان جواب برگزیده‌اند، که این افراد کلاً شامل محصلین دوره‌های راهنمایی و دبیرستان می‌باشند. یافته قابل‌توجه این است که نزدیک به ۵۰٪ افراد تصمیم دارند بعد از ازدواج شاغل باشند که البته تقریباً ۴۴.۶٪ شغل نیمه‌وقت را ترجیح می‌دهند و تقریباً ۵.۱٪ تصمیم دارند که پس از ازدواج، اشتغال تمام‌وقت داشته باشند. نکته قابل‌توجه دیگر این است که بیشتر افرادی که در زمان گردآوری اطلاعات دارای شغل آزاد و ساعت کاری بیشتر از ۸ ساعت بودند، تصمیم ندارند که پس از ازدواج به اشتغال خود ادامه دهند. بر اساس داده‌های جدول ۱ در خصوص تعداد خواهران و برادران افراد مورد بررسی (بدون احتساب خود فرد) نشان می‌دهد، که از مجموع ۴۱۵ پاسخگو، افراد دارای بیشتر از ۴ خواهر و برادر ۵۳ درصد از کل فراوانی مربوطه را به خود اختصاص داده‌اند. این توزیع بیانگر این است که بیشتر افراد مورد بررسی متعلق به خانواده‌های با تعداد فرزندان تقریباً زیاد می‌باشند. البته، چون تعداد فرزندان خانواده پدری فرد موردنظر است؛ این تعداد به‌اضافه یک (شخص مورد بررسی) شده و بعد در دو گروه کمتر از پنج فرزند و پنج فرزند و بیشتر تقسیم‌بندی شده‌اند.

بررسی نگرش نسبت به ادامه تحصیل ... ۱۴۳

جدول ۲- توزیع درصدی افراد مورد مطالعه برحسب تصمیم‌گیری در مورد تعداد فرزندان و فاصله‌گذاری از ازدواج تا تولد اولین فرزند

متغیر	درصد	درصد واقعی
تصمیم در مورد تعداد فرزندان		
بلی	۷۱.۸	۷۱.۸
خیر	۲۸.۲	۲۸.۲
کل	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰
اگر بلی، چند فرزند		
یک فرزند	۱۰.۶	۱۴.۸
دو فرزند	۵۰.۴	۷۰.۱
سه فرزند و بیشتر	۱۰.۸	۱۵.۱
کل	۷۱.۸	۱۰۰.۰
مقادیر ازدست‌رفته	۲۸.۲	
قصد فاصله‌گذاری از ازدواج تا فرزند اول		
کمتر از سه سال	۳۷.۶	۵۲.۳
سه تا چهار سال	۲۱.۴	۲۹.۹
پنج سال و بیشتر	۱۲.۸	۱۷.۸
کل	۷۱.۸	۱۰۰.۰
مقادیر ازدست‌رفته	۲۸.۲	

اطلاعات جدول ۲ در ارتباط با تصمیم افراد تحت بررسی در مورد تعداد فرزندان است که قصد دارند در طول دوران باروری خود داشته باشند. داده‌های این جدول حاکی از آن است که از تعداد ۴۱۵ نفر پاسخگوی موردنظر ۷۱.۸٪ در خصوص تعداد فرزندان که می‌خواهند در آینده داشته باشند تصمیم خود را گرفته‌اند.

بیشتر این افراد، یعنی ۷۰.۱٪ تصمیم دارند که ۲ فرزند در طول زندگی خود داشته باشند. با در نظر گرفتن ۱۵.۱ درصدی که قصد دارند سه فرزند و بیشتر در طول دوران باروری خود داشته باشند ملاحظه می‌شود که کمتر از ۱۵ درصد (۱۴.۸٪) افراد مورد بررسی قصد تک‌فرزندی دارند.

در خصوص قصد فاصله‌گذاری نیز، ۵۲.۳٪ قصد دارند که به فاصله کمتر از سه سال پس از ازدواج، فرزند اول خود را به دنیا آورند. ۲۹.۹٪ نیز فاصله سه تا چهار سال را مناسب دانسته‌اند و تنها کمتر از ۱۸ درصد (۱۷.۸٪) این افراد قصد دارند که فرزند آوری خود را بیشتر از پنج سال به تعویق اندازند.

جدول ۳- توزیع درصدی افراد مورد مطالعه برحسب میزان تحصیلات و تصمیم به ادامه تحصیل

متغیر	درصد	درصد واقعی
سال‌های تحصیلی تکمیل شده		
۵ سال و کمتر	۵.۱	۵.۱
۶ تا ۸ سال	۲۱.۲	۲۱.۲
۹ تا ۱۲ سال	۳۸.۸	۳۸.۸
۱۳ سال و بیشتر	۳۴.۹	۳۴.۹
تصمیم به ادامه تحصیل		
بلی	۵۸.۱	۵۸.۱
خیر	۴۱.۹	۴۱.۹
تا چه مقطعی		
دیپلم	۱۲.۰	۲۰.۷
فوق‌دیپلم / لیسانس	۱۸.۸	۳۲.۴
فوق‌لیسانس	۱۵.۷	۲۷.۰
دکتر	۱۱.۶	۱۹.۹
کل	۵۸.۱	۱۰۰.۰
مقادیر از دست‌رفته	۴۱.۹	

بررسی نگرش نسبت به ادامه تحصیل ... ۱۴۵

داده‌های جدول ۳ حاکی از آن است که از بین ۴۱۵ نفر نمونه مورد بررسی ۳۴.۹٪ دارای تحصیلات دانشگاهی و بقیه تحصیلات دیپلم و پایین‌تر داشتند. ۵۸.۱ درصد این افراد تصمیم دارند که پس از ازدواج ادامه تحصیل دهند. این مقدار، بسیار قابل توجه است چراکه تصمیم این افراد برای ادامه تحصیل به احتمال زیاد قصد باروری و همچنین فاصله‌گذاری از ازدواج تا تولد فرزند اولشان را تحت تأثیر قرار دهد. یافته‌های مربوط به مقطع موردنظر برای ادامه تحصیل در خصوص افرادی که تصمیم داشتند پس از ازدواج همچنان به تحصیل خود ادامه دهند، نشان از آن دارد که از تعداد ۲۴۱ نفر پاسخگویی که به سؤال قبل در خصوص تصمیم به ادامه تحصیل پاسخ مثبت داده‌اند، تمایل به ادامه تحصیل تا مقطع فوق‌دیپلم/لیسانس با ۳۲.۴٪ دارای بیشترین فراوانی است و بعد از آن نیز ادامه تحصیل تا مقطع فوق‌لیسانس دارای بیشترین فراوانی می‌باشد.

جدول ۴- توزیع افراد مورد مطالعه برحسب شاخص نگرش نسبت به تحصیلات

جمع		خیلی مخالف	مخالف	بی‌نظر	موافق	خیلی موافق	شاخص
درصد	فراوانی						
۱۰۰	۴۱۵	۳.۶	۲۰.۰۸	۲۴.۰۷	۳۲.۴۸	۱۹.۷۷	نگرش نسبت به تحصیلات

اطلاعات جدول ۴ در ارتباط با شاخص نگرش افراد مورد بررسی نسبت به تحصیلات می‌باشد. همان‌طور که در قسمت روش‌شناسی به‌طور مفصل توضیح داده شد، این شاخص شامل ۶ گویه است که در یک طیف عددی ۶ تا ۳۰ نمره‌ای قرار می‌گیرد که در اینجا فقط شاخص کلی آن ارائه گردیده است. داده‌های این جدول

حاکمی از آن است که ۵۲.۲۵ درصد (۱۹.۷۷ درصد خیلی موافق و ۳۲.۴۸ درصد موافق) افراد از نگرش مثبتی نسبت به تحصیلات برخوردارند، که این میزان در نوع خود قابل ملاحظه است. و اگر افراد بی‌نظر را نیز از نمونه کنار بگذاریم، این میزان بیش از دوسوم افراد مورد بررسی را شامل می‌شود.

جدول ۵- رابطه بین سطح تحصیلات و تصمیم به ادامه تحصیل با قصد فاصله‌گذاری از ازدواج تا تولد فرزند اول

متغیر	تعداد	میانگین قصد فاصله‌گذاری	SD	سطح معناداری
آخرین مدرک تحصیلی				
زیر دیپلم	۱۲۲	۳.۱	۱.۷۹	P-value= 0.261
دیپلم	۶۷	۲.۷	۱.۵۶	
تحصیلات دانشگاهی	۱۰۹	۳.۰	۱.۸۲	
تصمیم به ادامه تحصیل				
بلی	۱۸۷	۳.۳	۱.۸۰	P-value= 0.000
خیر	۱۱۱	۲.۵	۱.۵۴	

نتایج انجام آزمون تحلیل واریانس یک‌سویه پیرامون سطح تحصیلات و تصمیم به ادامه تحصیل، نشان از عدم رابطه سطح تحصیلات زنان مورد بررسی با قصد فاصله‌گذاری از ازدواج تا تولد فرزند اولشان دارد. تفاوت بین کمترین و بیشترین میانگین به دست آمده نیز عدم این رابطه را تأیید می‌نماید. سطح خطا نیز بیشتر از ۰.۰۵ (۰.۲۶۱) می‌باشد که می‌توان با ۹۵ درصد اطمینان رابطه بین دو متغیر را رد نمود، که این نشان از اشاعه رفتار باروری در جامعه و در بین افراد گوناگون و با سطح تحصیلات متفاوت دارد. اما در خصوص رابطه تصمیم به ادامه تحصیل با قصد

بررسی نگرش نسبت به ادامه تحصیل ... ۱۴۷

فاصله‌گذاری، سطح معناداری آزمون F نشانگر رابطه مستقیم بین این دو متغیر است. مقایسه میانگین نمره قصد فاصله‌گذاری در زنانی که تصمیم به ادامه تحصیل ندارند با زنانی که تصمیم دارند پس از ازدواج همچنان به تحصیل ادامه دهند نیز گویای این واقعیت است، به طوری که اختلاف بین میانگین نمره این دو گروه برابر با ۰.۸ می‌باشد و تأخیر در فرزند آوری در افرادی که تصمیم به ادامه تحصیل دارند به وضوح دیده می‌شود.

جدول ۶- همبستگی نگرش نسبت به تحصیلات و قصد فاصله‌گذاری از ازدواج تا تولد فرزند اول

ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	تعداد معتبر
۰.۲۱۶	۰.۰۰۰	۲۹۸

نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون بیانگر آن است که با اطمینان ۹۹ درصد و سطح خطای کمتر از یک درصد بین دو متغیر نگرش افراد نسبت به تحصیلات با قصد فاصله‌گذاری آن‌ها از ازدواج تا تولد فرزند اولشان رابطه مستقیم وجود دارد. مقدار به دست آمده برای آزمون مربوطه برابر با ۰.۲۱۶ می‌باشد و همچنین سطح معناداری کمتر از ۰.۰۱ که بیانگر رابطه بین دو متغیر می‌باشد.

تحلیل چندمتغیره مشخصه‌های اجتماعی - جمعیتی و نگرشی تأخیر در اولین فرزند آوری

در این بخش به منظور بررسی چگونگی تأثیرگذاری همزمان متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته که قصد فاصله‌گذاری از ازدواج تا تولد فرزند اول می‌باشد و نیز به سبب کنترل متغیرهای جمعیتی با استفاده از رگرسیون چند متغیره به تحلیل داده‌ها می‌پردازیم.

متغیرهای نگرش نسبت به اهمیت فرزند آوری و نگرش نسبت به تحصیلات و تصمیم به ادامه تحصیل، به عنوان شاخص‌های برگرفته از رویکردهای نگرشی در تبیین قصد فاصله‌گذاری از ازدواج تا تولد فرزند اول و متغیرهای وضعیت فعالیت، تعداد فرزندان خانواده پدری فرد، سن، محل سکونت و تصمیم به اشتغال پس از ازدواج به عنوان متغیرهای جمعیتی و اجتماعی است که دارای رابطه با متغیر وابسته می‌باشند.

جدول ۷- تحلیل چند متغیره مشخصه‌های اجتماعی- جمعیتی و نگرشی قصد فاصله‌گذاری از ازدواج تا اولین تولد

مدل	متغیرها	B	Beta	T	Sig	ضرایب همبستگی
مدل ۱	عدد ثابت	۶.۶۵۴		۱۲.۱۳۶	۰.۰۰۰	R=۰.۳۶۷
	نگرش نسبت به اهمیت فرزند آوری	-۰.۱۱۴	-۰.۳۶۷	-۶.۷۹۱	۰.۰۰۰	R Square=۰.۱۳۵ Adjusted R Square=۰.۱۳۲
مدل ۲	عدد ثابت	۷.۴۳۳		۱۲.۹۱۱	۰.۰۰۰	R=۰.۴۱۷
	نگرش نسبت به اهمیت فرزند آوری	-۰.۱۰۸	-۰.۳۴۶	-۶.۵۰۳	۰.۰۰۰	R Square=۰.۱۷۴ Adjusted R Square =۰.۱۶۸
	تصمیم به ادامه تحصیل	۰.۷۲۱	۰.۱۹۹	۳.۷۳۷	۰.۰۰۰	
مدل ۳	عدد ثابت	۸.۴۲۱		۶.۵۳۷	۰.۰۰۰	R=۰.۴۸۷
	نگرش نسبت به اهمیت فرزند آوری	-۰.۰۹۸	۰.۱۳۴	-۵.۷۳۸	۰.۰۰۰	R Square=۰.۲۳۷ Adjusted R Square=۰.۲۱۹
	تصمیم به ادامه تحصیل	۰.۴۸۶	۰.۱۰۲	۲.۱۷۹	۰.۰۳۰	
	وضعیت فعالیت	-۰.۱۱۱	-	۱.۵۸۹	۰.۱۱۳	
	تعداد فرزندان	-۰.۰۴۹	-۰.۱۴۵	-۲.۳۳۷	۰.۰۲۰	
	خانواده پدری	۰.۰۰۲	۰.۰۰۱	۰.۰۱۰	۰.۹۹۲	

سن	-۰.۲۱۲	-۰.۰۷۲	-۱.۱۲۵	۰.۲۶۱
محل سکونت				
تصمیم به اشتغال				

در مدل اول، تنها نگرش نسبت به اهمیت فرزندآوری که در بین دیگر متغیرها تعیین کننده تر است آورده شده، ضریب رگرسیونی این متغیر در تبیین متغیر وابسته برابر با ۰.۳۶۷- است و به عبارتی به ازای هر یک نمره که به نگرش افراد نسبت به اهمیت فرزندآوری اضافه می گردد تقریباً ۰.۳۷ از قصد فاصله گذاری آن‌ها کاسته می شود. این مدل ۱۳٪ از تغییرات قصد فاصله گذاری را می تواند توضیح دهد.^۱ در مدل دوم، متغیر تصمیم به ادامه تحصیل به مدل اول افزوده شده است و متغیر نگرش نسبت به تحصیلات به دلیل همبستگی بالا با تصمیم به ادامه تحصیل از مدل حذف شده، چراکه این همبستگی بالا باعث به وجود آمدن خطای هم خطی چندگانه^۲ می شد. ضریب رگرسیونی متغیر تصمیم به ادامه تحصیل در تبیین قصد فاصله گذاری تقریباً برابر با ۰.۲۰ می باشد. این مقدار بدین معنی است که با اضافه شدن یک نمره به نگرش نسبت به تحصیلات، ۰.۲۰ به قصد فاصله گذاری آن‌ها نیز افزوده می شود. در مدل اخیر، متغیرهای جمعیتی- اجتماعی وارد و اثرات آن‌ها بر متغیر وابسته کنترل شد، از بین متغیرهای یادشده تنها دو متغیر سن و تعداد فرزندان خانواده پدری در مدل معنادار ماندند، در نهایت باید گفت با کنترل این متغیرها، باز هم دو عامل نگرش نسبت به

1. Adjusted R Square = 0.132

۲- هم خطی چندگانه (multicollinearity): در برخی موارد بین متغیرهای مستقل در رگرسیون همبستگی بالایی وجود دارد و نتیجه گیری بر مبنای مدل رگرسیون می تواند گمراه کننده باشد. وجود چنین حالتی را هم خطی (هم راستایی) چندگانه می گویند. متأسفانه راه حل ساده و روشنی برای برطرف نمودن هم خطی چندگانه وجود ندارد. اما می توان پاره ای از توصیه ها را در این خصوص مدنظر قرار داد، که یکی از آن‌ها دقت در انتخاب متغیرهاست، اگر بدانیم که چند متغیر الزاماً عامل مشابهی را اندازه گیری می کنند، در آن صورت نباید بیش از یکی از آن‌ها را مورد استفاده قرار داد مگر آن که دلیل موجهی وجود داشته باشد.

جدول ۸- تأثیر متغیرهای جمعیتی و مستقل بر قصد فاصله‌گذاری از ازدواج تا تولد فرزند
اول بر اساس تحلیل مسیر

تأثیر کلی	تأثیر غیرمستقیم	تأثیر مستقیم	متغیرهای مستقل
-۰.۲۰۱	-۰.۰۴۱	-۰.۱۶۱	تعداد فرزندان خانواده پدری (X_1)
۰.۱۵۶	۰.۱۵۶	—	تصمیم به اشتغال (X_2)
۰.۲۲۹	۰.۰۴۲	۰.۱۸۷	تصمیم به ادامه تحصیل (X_3)
-۰.۳۳۴	—	-۰.۳۳۴	نگرش نسبت به اهمیت فرزندآوری (X_4)

مطابق با جدول ۸، باید گفت که مؤثرترین متغیرها بر قصد فاصله‌گذاری زنان از ازدواج تا تولد فرزند اولشان عبارت‌اند از: نگرش نسبت به اهمیت فرزندآوری، تصمیم به ادامه تحصیل، تعداد فرزندان خانواده پدری فرد و تصمیم به اشتغال. که از این بین، تصمیم به اشتغال و تصمیم به ادامه تحصیل تأثیر فزاینده و نگرش نسبت به اهمیت فرزند آوری و تعداد فرزندان خانواده پدری تأثیر کاهنده بر قصد فاصله‌گذاری زنان دارد. با در نظر گرفتن این نکته که تصمیم به اشتغال بخش قابل توجهی از تأثیر خود را از طریق تصمیم به ادامه تحصیل بر متغیر اصلی یعنی تأخیر در فرزند آوری وارد می‌کند و با توجه به این که تصمیم به ادامه تحصیل بعد از نگرش نسبت به اهمیت فرزندآوری، بیشترین تأثیر مستقیم و تأثیر کلی را داراست، می‌توان بر اهمیت نقش ادامه تحصیل زنان پس از ازدواج در تأخیر در فرزند آوری ایشان اذعان نمود.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف بررسی اهمیت تحصیلات و ادامه تحصیل پس از ازدواج و نقش آن در تأخیر در اولین فرزند آوری در زنان در شرف ازدواج انجام شده است. برای

این منظور، نمونه‌ای ۴۱۵ نفری از میان زنان در شرف ازدواج ساکن شهرستان نیشابور که برای انجام آزمایش‌ها لازم و همچنین شرکت در کلاس‌های مشاوره قبل از ازدواج به آزمایشگاه مرجع سلامت مراجعه کردند، انتخاب شده و با استفاده از پرسشنامه‌ای که در این زمینه طراحی شده بود، اطلاعات موردنیاز گردآوری شد. در نهایت نیز این اطلاعات مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و با توجه به اهداف و سؤالات، نتایجی از آن‌ها حاصل گردید. از بین ۴۱۵ نفر نمونه مورد بررسی ۲۸۹ نفر یعنی نزدیک به ۷۲ درصد تصمیم خود را در مورد فرزندآوری گرفته و حدود ۲۸ درصد این افراد هنوز تصمیمی در این رابطه برای آینده نداشتند.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که برخلاف نتایج مورد انتظار در تحقیقات گذشته (عباسی شوازی و رازقی نصرآباد، ۱۳۸۵؛ عباسی شوازی و همکاران، ۲۰۰۹؛ عرفانی، ۱۳۹۱؛ هیرشمن و ریندفوس، ۱۹۸۰ و ادواردز، ۲۰۰۲) سطح تحصیلات زنان تأثیری بر روی وقوع اولین تولد ندارد، به عبارتی زنان برخوردار از سطح تحصیلات متفاوت، از نظر قصد فاصله‌گذاری از ازدواج تا تولد فرزند اولشان تفاوت چندانی باهم ندارند؛ که این امر نشان از اشاعه رفتار باروری در بین افراد گوناگون و با سطوح تحصیلی متفاوت دارد. عباسی شوازی و رازقی نصرآباد (۱۳۸۹) در مطالعه خود به نتایجی خلاف نتایج بررسی حاضر دست یافته‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که زنانی که سطح سواد ابتدایی و کمتر دارند ریسک بالاتری از وقوع اولین تولد را دارند و در فاصله کمتری به تولد اول می‌رسند. نتایج مطالعه عباسی شوازی و همکاران (۲۰۰۹) نیز نشان از آن دارد که زنانی که سطوح بالاتری از تحصیلات را دارند به دلیل استقلال بیشتر و دانش بهتر در مورد وسایل پیشگیری، معمولاً مادری دیرتری را تجربه می‌نمایند. نتایج مطالعات هیرشمن و ریندفوس (۱۹۸۰)، ریندفوس و همکاران (۱۹۸۰) و همچنین ادواردز (۲۰۰۲) نیز همسو با تحقیقات داخلی، وجود ارتباط بین تحصیلات و تأخیر در اولین فرزندآوری را نشان داده‌اند. اما در نقطه مقابل و در راستای نتایج این پژوهش، مطالعه خلیج آبادی فراهانی و سرایی (۱۳۹۱) نشان داده است، که زنان

تحصیل کرده به علت تأخیر در باروری نسبت به زنان با تحصیلات کمتر، قصد باروری کمتری دارند. هرچند که در این مطالعه نیز میانگین سال‌های تحصیلی با قصد تک‌فرزندی ارتباط معنی‌داری نشان نداد. البته نباید از نظر دور بماند که تحقیقات صورت گرفته به‌جز مطالعه خلج آبادی فراهانی و سرایی در رابطه با زنانی بوده است که اولین فرزند آوری خود را تجربه کرده‌اند، در واقع آنچه در این مطالعات مدنظر بوده جنبه‌ای از رفتار را شامل می‌شود اما آنچه که در مطالعه حاضر مدنظر است قصد فاصله‌گذاری از ازدواج تا تولد فرزند اول به‌عنوان بُعدی از نیت باروری زنان جوان در شرف ازدواج می‌باشد و از آنجایی که قصد باروری تا حد زیادی می‌تواند در پیش‌بینی رفتار باروری خانواده‌ها مؤثر باشد، پس سعی شده تا از این طریق چشم‌اندازی در خصوص رفتار باروری زنان جوان نسل حاضر، در آینده داشته باشیم. در واقع یافته‌های این مطالعه حاکی از آن است که این نگرش نسبت به تحصیلات و تصمیم به ادامه تحصیل پس از ازدواج است که بر وقوع اولین تولد تأثیر می‌گذارد. انگیزه بیشتر برای ادامه تحصیل و نگرش مثبت‌تر نسبت به اهمیت تحصیلات در بین زنان جوان باعث می‌شود که آن‌ها برای رسیدن به این خواسته فرزند آوری خود را به تعویق اندازند. زنانی که تصمیم جدی به ادامه تحصیل پس از ازدواج دارند، قصد دارند در فاصله بیشتری پس از ازدواج فرزند آوری خود را آغاز نمایند، به‌طوری که میانگین این فاصله برای این گروه از زنان بیشتر از ۳ سال است، درحالی که میانگین فاصله‌گذاری از ازدواج تا تولد اولین فرزند برای زنانی که تصمیم به ادامه تحصیل ندارند برابر با ۲.۵ سال می‌باشد. همچنین بر اساس دیگر یافته‌های این تحقیق به این نتیجه می‌رسیم که زمان‌بندی اولین تولد ارتباط مستقیمی با نگرش زنان نسبت به تحصیلات و اهمیت آن در زندگی دارد. ارتباط بین این یافته‌ها با تئوری‌های رفتار برنامه‌ریزی شده، برابری جنسیتی و همچنین تئوری گذاری دوم جمعیتی به‌روشنی قابل مشاهده است. به‌گونه‌ای که با تغییر نگرش‌های فردی و هنجارهای ذهنی زنان و در پی آن تلاش آن‌ها برای ارتقاء توانمندی‌های فردی خود و همچنین دستیابی به موقعیتی مساوی با مردان، چه از

لحاظ تحصیل و چه از نظر اشتغال، نگرش آن‌ها به فرزند آوری و در پی آن، نیات و رفتار آن‌ها در این خصوص نیز تغییر می‌کند.

در واقع بر اساس نتایج این مطالعه که سطح تحصیلات را در کنار تصمیم به ادامه تحصیل و نگرش نسبت به اهمیت تحصیلات در زندگی و تأثیر آن‌ها بر تأخیر در فرزندآوری را مورد بررسی قرار داده، باید گفت که سطح تحصیلات از علل اصلی تأخیر در فرزند آوری نیست بلکه عاملی است که از طریق فاکتورهایی دیگر باعث تأخیر در فرزند آوری می‌گردد. تحصیلات باعث می‌شود که افراد سال‌های طولانی‌تری را در مدرسه یا دانشگاه بگذرانند و طولانی‌تر شدن تحصیلات باعث افزایش سن در اولین ازدواج می‌شود. همچنین، تحصیلات دانش افراد را افزایش می‌دهد به گونه‌ای که افراد می‌توانند مؤثرترین روش‌های پیشگیری از بارداری را انتخاب کنند و آن‌ها را به شیوه مناسب به کار بگیرند، اما آن‌ها این دانش را به منظور دیگری همچون دستیابی به شغل مناسب به کار می‌برند، به گونه‌ای که یکی از تبیین‌های موجود در این رابطه به این صورت است که «میزان وقوع کمتر تولد اول در میان زنانی که تحصیلات متوسطه و دانشگاهی دارند نسبت به سایر زنان، این است که آن‌ها ممکن است انگیزه بیشتری برای کنترل زمان اولین تولد داشته باشند. این انگیزه به احتمال بسیار می‌تواند به این دلیل باشد که زنانی که از دانشگاه فارغ‌التحصیل می‌شوند، فرزند آوری خود را تا زمانی که به شغل مناسبی دست یابند و موقعیت خود را در آن شغل محکم کنند، به تأخیر می‌اندازند» (عباسی شوازی و رازقی نصرآباد، ۱۳۸۹: ۱۰۰). در حقیقت، تحصیلات زنان باعث افزایش سن در اولین ازدواج و میل بیشتر به اشتغال در بین آن‌ها می‌شود، به عبارتی صرف سطح تحصیلات تأثیری در تأخیر در اولین بارداری ندارد بلکه از طریق متغیرهای دیگر و به‌ویژه دو متغیر یادشده باعث تأخیر در فرزند آوری زنان می‌شود. اما در خصوص تصمیم به ادامه تحصیل و نگرش نسبت به اهمیت تحصیلات در زندگی فردی و اجتماعی قضیه به گونه‌ای دیگر است. همان‌طور که نتایج مطالعه حاضر نشان می‌دهد، تصمیم به ادامه تحصیل به‌طور مستقیم بر تأخیر در فرزند آوری مؤثر است و

همان‌گونه که در تحلیل مسیر نیز نشان داده شد، رابطه‌ای که بین سطح تحصیلات و تصمیم به اشتغال وجود داشت در اینجا عکس شده و تصمیم به اشتغال از طریق تصمیم به ادامه تحصیل بر تأخیر در فرزندآوری تأثیر می‌گذارد. در واقع زنان به دلیل دستیابی به موقعیت شغلی مناسب تصمیم می‌گیرند که پس از ازدواج همچنان به تحصیل خود ادامه دهند و در اینجا این ادامه تحصیل آن‌ها در مقاطع بالاتر است که باعث می‌شود اولین بارداری خود را به تعویق اندازند، البته نه صرف ادامه تحصیل، بلکه احساس خطر و نگرانی است که آن‌ها را از اجبار به ترک تحصیل و همچنین به وجود آمدن ناسازگاری بین تحصیل و نگهداری از فرزند دارند. در حقیقت، این احساس خطر، ترس و نگرانی چشم‌اندازی را در ذهن آن‌ها در رابطه با آینده ایجاد می‌کند که می‌تواند نقش مهمی در تصمیمات باروری و در نهایت رفتار باروری آینده آن‌ها ایفا نماید.

بنابراین، نگرش زنان نسبت به تحصیلات و تصمیم آن‌ها در خصوص ادامه تحصیل پس از ازدواج به‌عنوان یک متغیر مهم و تأثیرگذار بر قصد فاصله‌گذاری از ازدواج تا تولد فرزند اول می‌تواند در برنامه‌ریزی‌ها مورد توجه قرار گیرد. چراکه نگرش مثبت زنان نسبت به تحصیلات و تصمیم آن‌ها برای ادامه تحصیل پس از ازدواج با وجود سن پایین ازدواج در جامعه مورد بررسی، رفتار باروری را از طریق فاصله‌گذاری بین ازدواج تا تولد فرزند اول تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عبارتی تداخل به وجود آمده بین تحصیلات زنان و باروری آن‌ها معمولاً بافاصله انداختن از ازدواج تا تولد فرزند اول پاسخ داده می‌شود که این پاسخ مستقیماً بر میزان و رفتار باروری جامعه مورد نظر اثر می‌گذارد. بنابراین سیاست‌های جمعیتی اگر بتوانند برنامه‌هایی را اجرایی کنند که موجب سازگاری نقش مادری با ادامه تحصیلات زنان پس از ازدواج شود می‌توانند بسیار مؤثرتر باشند. بخش‌های مسئول در دولت نیز می‌توانند با تدوین و پیشنهاد آیین‌نامه‌های تسهیل‌گر برای کاهش هر چه بیشتر تعارض بین تحصیلات زنان به‌عنوان

یکی از مؤلفه‌های توانمندی شخصی با فرزند آوری و تربیت فرزند، به جلوگیری از به وجود آمدن بحران و یا در صورت لزوم به کاستن از شدت بحران اقدام نمایند. همچنین جهت دستیابی به چشم‌اندازی وسیع‌تر، لازم به نظر می‌رسد در کنار سطح تحصیلات، نقش نگرش نسبت به اهمیت تحصیلات و تصمیم به ادامه تحصیل پس از ازدواج با نیت و رفتار باروری، در سایر شهرها به‌ویژه کلان‌شهرها که تمایل به ارتقاء قابلیت‌های فردی در آن‌ها بیشتر است و همچنین شهرهایی که باروری‌شان زیر سطح جانشینی است، مورد بررسی قرار گیرد و در جهت کاستن از پیامدهای نامطلوب و استفاده از فرصت‌های آن برنامه‌ریزی و اقدام گردد.

بررسی نگرش نسبت به ادامه تحصیل ... ۱۵۷

پیوست‌ها

توزیع درصدی زنان در شرف ازدواج در گروه‌های سنی از سال ۱۳۸۸ تا نیمه سال ۱۳۹۲

بر اساس داده‌های آزمایشگاه مرجع سلامت

سال	زیر ۱۵ سال	۱۵ تا ۲۰ سال	۲۰ تا ۲۵ سال	۲۵ تا ۳۰ سال	۳۰ تا ۳۶ سال	بالای ۳۶ سال
۱۳۸۸	۸.۳۹	۵۰.۲۴	۲۸.۳۰	۸.۳۲	۲.۵۳	۲.۲۱
۱۳۸۹	۱۶.۳۳	۴۵.۸۰	۲۴.۹۹	۷.۹۹	۱.۶۱	۳.۲۷
۱۳۹۰	۲۳.۷۲	۳۸.۵۹	۲۵.۱۷	۷.۳۹	۱.۶۹	۲.۸۴
۱۳۹۱	۲۲.۸۰	۳۸.۲۲	۲۴.۰۰	۹.۹۱	۱.۳۰	۳.۷۸
شش‌ماهه اول ۱۳۹۲	۱۱.۷۱	۳۶.۹۳	۲۴.۳۸	۱۱.۲۵	۰.۹۱	۶.۸۲

توزیع درصدی زنان در شرف ازدواج در گروه‌های سنی از سال ۱۳۸۷ تا نیمه سال ۱۳۹۲

بر اساس داده‌های سازمان ثبت‌احوال

سال	زیر ۱۵ سال	۱۵ تا ۲۰ سال	۲۰ تا ۲۵ سال	۲۵ تا ۳۰ سال	۳۰ تا ۳۵ سال	۳۵ تا ۴۰ سال	بالای ۴۰ سال
۱۳۸۷	۹.۵۸	۴۳.۷۳	۳۱.۱۲	۱۰.۱۷	۳.۳۷	۱.۲۱	۰.۳۸
۱۳۸۸	۹.۸۵	۴۲.۰۰	۳۰.۹۳	۱۱.۲۴	۳.۵۸	۱.۱۷	۰.۳۰
۱۳۸۹	۱۰.۷	۴۰.۱۲	۲۹.۸۶	۱۱.۳۸	۴.۵۱	۱.۶۰	۰.۶۲

۰.۵۲	۰.۳۳	۰.۵۲	۱.۵۳	۴.۰۳	۱۱.۴۴	۲۹.۷۰	۳۸.۰۴	۱۳.۵ ۸	۱۳۹۰
۰.۲۸	۰.۳۷	۰.۸۰	۱.۸۵	۴.۵۳	۱۲.۳۹	۲۷.۲۳	۳۸.۷۷	۱۳.۶ ۴	۱۳۹۱
۰.۳۷	۰.۲۹	۰.۷۱	۱.۶۵	۴.۸۱	۱۳.۶۱	۲۶.۳۴	۳۷.۳۵	۱۴.۹ ۵	شش ماهه اول ۱۳۹۲

منابع

- جوادی نیا، علی. (۱۳۸۸)، "مطالعه تأثیر صور متفاوت استقلال رفتاری زنان بر تغییر رفتار نکاحی باروری"، *پایان نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی*، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- حسینی، حاتم. (۱۳۹۰)، *درآمدی بر جمعیت‌شناسی اقتصادی - اجتماعی و تنظیم خانواده*، همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
- خلیج‌آبادی فراهانی، فریده؛ حسن سرایی. (۱۳۹۱)، "قصد و عملکرد زنان و مردان همسر دار ساکن تهران در خصوص تک‌فرزندی و عوامل اجتماعی و فرهنگی تعیین‌کننده آن"، *گزارش نهایی طرح پژوهشی*، مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور.
- خلیج‌آبادی فراهانی، فریده؛ حسن سرایی. (۱۳۹۲)، "قصد تک‌فرزندی و تعیین‌کننده‌های آن در زنان و مردان در شرف ازدواج در تهران"، *فصلنامه مطالعات جمعیتی*، سال اول، شماره اول.
- رضایی، مهدی. (۱۳۹۰)، "زمینه‌های کاهش باروری در کردستان: مطالعه موردی شهر سقز"، *رساله دکتری جمعیت‌شناسی*، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

بررسی نگرش نسبت به ادامه تحصیل ... ۱۵۹

- سرایی، حسن. (۱۳۸۵). "تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران"، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال یکم، شماره ۲.
- سرایی، حسن. (۱۳۸۷). "گذار جمعیتی دوم، با نیم‌نگاهی به ایران"، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال سوم، شماره ۶.
- شایان، حمید. (۱۳۸۸). "تحلیل جغرافیایی وضعیت باروری در استان خراسان رضوی"، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، شماره ۷۰.
- عباسی شوازی، محمد جلال؛ حجه بی‌بی رازقی نصرآباد. (۱۳۸۹). "الگوها و عوامل مؤثر بر فاصله ازدواج تا اولین تولد در ایران"، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی*، سال پنجم، شماره ۹.
- عرفانی، امیر. (۱۳۹۲). "باروری در ایران و شهر تهران: میزان‌ها، روندها و تفاوت‌ها"، *فصلنامه مطالعات جمعیتی*، سال اول، شماره اول.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۰). نتایج تفصیلی آمارگیری جاری جمعیت.

- Abbasi-Shavazi, M.J. (2001). "***Below- Replacement Level Fertility in Iran: Progrees and Prospect***", Paper Presented at the Workshop on Low Fertility in Advanced Countries: Trends, Theories and Politics, Tokyo, 21-23 March.
- Abbasi-Shavazi, M. J., McDonald, P. & Hosseini-Chavoshi, M. (2009). " Family Change and Continuity in Iran: Birth Control Use before First Pregnancy", *Journal of Marriage Family* 75 (5): 1309-1324.
- Edwards, M.E. (2002). " Education and Occupations: Reexamining the Conventional Wisdom about Later First Births among American Mothers", *Sociological Forum* 17: 423-443.
- Fishbein, M and I. Ajzen. (1975). "***Belief, attitude, intention and behavior: An Introduction to Theory and Resarch***", Addison-wesley.

- Fishbein, M. and I. Ajzen. (2010). "***Predicting and changing behavior: the reasoned action Approach***", New York: Psychology Press.
- Hirschman C. and R. Rindfuss. (1980). "***Social, Cultural and Economic Determinants of Age at Birth of First Child in Peninsular Malaysia***", Population Studies 34 (3): 507- 518.
- Lesthaeghe, R. and K. Neels. (2002). " Form the First to the Second Demographic Transition: an Interpretation of the Spatial Continuity of Demographic Innovation in France, Belgium and Switzerland", ***European Journal of Population*** 18 (4): 324-360.
- Morgan, Ph. Bachrach, Ch. (2011). "Is the Theory of Planned Behaviour an Appropriate Model for Human Fertility?", ***Vienna year book of Population Research***: 11-18.
- Openheimer, V.K. (1997). "A Theory of Marriage Timing", ***American Journal of Sociology*** 94 (3): 563-591.
- Rindfuss R; Bumpass L. and Craig St. John. (1980). "Education and Fertility Implications for the Roles Women Occupy", ***American Sociological Review***. 45: 431- 447.
- United Nations. (2003). "***Partnership and Reproductive Behaviour in Low-Fertility Countries***", Department of Economic and Social Affairs. ESA/P/WP.177.
- Van de Kaa, D.J. (2001). ***Postmodern fertility preferences: from changing value orientation to new behavior.***In R.A.Bulatao and J.B.Casterline, Global Fertility Transition. Population and Development Review, ASupplement to vol. 27, pp.290-331.
- Van de Kaa, D. J. (2002). "***The Idea of a Second Demographic Transition in Industrial Countries***". Paper Presented at the Sixth

۱۶۱ بررسی نگرش نسبت به ادامه تحصیل ...

Welfare Policy Seminar of the National Institute of Population and Social Security, Tokyo, Japan, 29 January.

- Van Peer. (2000). *Desired and realized fertility in selected FFS countries*. Paper presented at the FFS Flagship Conference, Brussels, 29 - 31 May.

